

ونزوئلا و سیاست‌های نفتی چاوز



ترجمه: مژگان آل مجید
منبع: آتلانتیک فری پرس/دسامبر ۲۰۰۷

نتوانست اقتصاد سالمی را برای ونزوئلا به ارمغان بیاورد. رشد درآمد نفت در دهه‌ی ۱۹۷۰، توانست ونزوئلا را از نیاز به ایجاد یک اقتصاد غیر نفتی مدرن راحت کند. کالاهایی که زمانی این کشور صادر می‌کرد، از قبیل قهوه و شکر، به زودی ناپدید شد. دو حزب سیاسی به جای اینکه تحرکات اجتماعی یا نهادهای عمومی را تقویت کنند، با توزیع رانت‌های نفتی و اشتغال دولتی، آرامش و ثبات اجتماعی را برای مردم به وجود آوردند.

در واقع، ونزوئلا تنها با نفت و سیاست‌های نفتی خویش توانست به چنین سرانجامی برسد. افزایش اخیر در قیمت‌های نفت مجدداً ونزوئلا را از الزام به پیروی از قوانین سفت و سخت علم اقتصاد معاف ساخته است. دولت چاوز توفانی از قوانین و مقررات مداخله‌گر و کنترلی بر نرخ ارز، تثبیت قیمت‌ها، محدود کردن توانایی کارفرمایان در استخدام و اخراج کارگران و نیز دستور به انجام معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری بر اساس ملاحظات سیاسی وضع و تحمیل کرده است که همگی آنها بخش خصوصی نیمه جان ونزوئلا را بیش از پیش ضعیف می‌کند. در عین حال به دلیل درآمد هنگفت نفت، اقتصاد ونزوئلا طی دو سال گذشته رشد سریعی داشته است. سیاست‌های اقتصادی غیر علمی چاوزی، تا هنگام سقوط بهای نفت احساس نخواهد شد.

بسیاری از سیاستمداران بر این اعتقادند که محبوبیت چاوز به میزان درآمد نفتی این کشور وابسته است. در حالی که با کاهش تولید این کالای راهبردی، درآمدهای دولت هم کم می‌شود و به همراه آن، محبوبیت هوگو چاوز نیز پایین خواهد آمد.

موفقیت چاوز در جلب توجه دیگران - دوستی با کوبای فیدل کاسترو، امضای قراردادهای تسلیحاتی با روسیه و انتقاد پیوسته از آمریکا و سیاست‌هایش و تهدیدهای مکرر در خصوص قطع عرضه نفت به این کشور - این تصور را رواج داده که "چاوایسمو"، تجسم آینده‌ای جدید برای آمریکای لاتین است. در واقع چاوز به رغم آنچه که نشان داده می‌شود، در بین مردم خود از محبوبیتی نسبتاً عام برخوردار است، هر چند بیشتر تحلیلگران نوع حکومت وی را حکومتی کاملاً جدید با ابداعات "چاوزی" می‌نامند؛ در واقع، یک پیوند جناح چپی که از مشروعیت کافی بین مردم برخوردار است و هرگز پیش از این، در کوبای کاسترو یا شوروی سابق وجود نداشته است.

نظم سیاسی مدرن این کشور که به وسیله رهبران دو حزب سیاسی سنتی در سال ۱۹۵۸ تعیین شد، دموکراسی ماندگاری را ایجاد کرد که به مدت چهار دهه ثبات سیاسی بر این کشور و مردمش حاکم گردید. اما این سیاست باثبات

ونزوئلا کشوری است که به گفته‌ی برخی از کارشناسان، اوضاعی کم و بیش شبیه به ایران دارد. "مایا هرناندز"، کارشناس سیاسی آمریکای لاتین، معتقد است سیاست دولت هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ضد آمریکایی که سومین دوره‌ی ریاست جمهوری خود را به تازگی آغاز کرده است، در مصرف شدید درآمدهای نفتی موجب شده پولی برای سرمایه‌گذاری در میدان‌های نفتی، اکتشاف و ترمیم چاه‌های نفتی موجود نماند.

بسیاری از کارشناسان سیاسی این کشور بر این اعتقادند که تسلط دولت چاوز بر صنعت نفت ونزوئلا و توزیع بیشتر درآمدهای نفتی در راستای سیاست‌های مردم‌گرایانه وی به منظور کسب پشتیبانی اقشار کم درآمد جامعه، موجب شده که از قابلیت تولید نفت در این کشور که در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) نیز عضو فعالی است، کاسته شود.

در واقع، ونزوئلا دارای بزرگترین ذخایر نفتی در حوزه‌ی کشورهای آمریکای لاتین و نیز یکی از چهار کشور عمده‌ی صادرکننده نفت به آمریکا است. به عنوان پنجمین کشور صادرکننده نفت در دنیا، درآمدهای نفتی نیمی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. این کشور بیش از یک قرن است که اقتصاد خود را بر پایه‌ی صادرات نفت می‌گذراند و از اعضای مؤسس اوپک می‌باشد.

چاوز در حالی با این سیاست به حیات نفتی خویش ادامه می‌دهد که واشنگتن با دولت کنونی کاراکاس و سیاست‌های چپ‌گرایانه‌ی چاوز به شدت مخالف است؛ اما جالب اینجاست که با حمله به عراق، در واقع، ناخودآگاه، موجب بالا رفتن بهای جهانی نفت و سرازیر شدن میلیاردها دلار پول آمریکا به خزانه دولتی ونزوئلا شده است. در هر روز حدود ۲۰۰ میلیون دلار درآمد حاصل از فروش نفت به کاراکاس سرازیر می‌شود که قریب به نیمی از آن، از جانب آمریکا است!!

این در حالی است که چاوز قراردادهایی برای فروش نفت ارزان منعقد کرده و به کشورهای کوچک منطقه کارائیب و کشورهایی چون اکوادور - در آمریکای لاتین - نفت را به قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی آن عرضه می‌کند. و این همان مسأله‌ی ماندگاری وی در این منطقه است، هرچند این کار به ضرر بخش اکتشاف و توسعه‌ی زیرساخت‌های نفتی در این کشور می‌انجامد. به همین علت، آمریکا هوگو چاوز را محکوم می‌کند که تاثیرگذاری در قاره آمریکای لاتین را با پول می‌خرد. قدر مسلم آن که، سیاست ضد آمریکایی چاوز محبوبیت زیادی برای وی به ارمغان آورده است و این نکته را نمی‌توان کتمان کرد.

با این حال، این نکته را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت که دولت ونزوئلا در دو سال گذشته، موفق شده تا مقدار قابل توجهی سرمایه‌گذاری در نفت ونزوئلا را تنوع بخشیده و با افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خارجی، صنایع هیدروکربوری در زمینه‌های مختلف را افزایش دهد. در واقع چاوز و دولت ملی قصد دارند که با توسعه‌ی پروسه‌ی تنوع در صنایع نفت و هیدروکربور، از یک سو وابستگی ونزوئلا را به ویژه در حوزه فروش نفت به آمریکا کمتر ساخته و از سوی دیگر درآمدهای نفتی را (برخلاف گذشته) در خدمت توسعه رفاه مردم بگذارند.

شاید دولت در آخرین همه‌پرسی به خوبی این نکته را درک کرده که اعمال سیاست‌های نفتی تنها برای محبوب ماندن و محبوب‌تر شدن، نمی‌تواند تا به ابد برای او کارساز باشد. به همین جهت، تصمیم بر آن گرفته تا با چرخشی هر چند نامحسوس، برنامه‌ریزی جدیدی را برای درآمدهای نفتی خود به مرحله‌ی اجرا درآورد.

با این حال، به این نکته باید توجه کرد که پتانسیل تولید بیشتر نفت در ونزوئلا خیلی بالاتر و بیشتر از کشورهای معروف صادرکننده نفت

مانند عربستان سعودی، نیجریه و ایران است. در نتیجه، دولتمردان ونزوئلا بر این امر واقفند که نوحفاظه کاران شدیداً معتقدند که این "حق طبیعی" آمریکا است که در سرنوشت تک‌تک ملت‌های آمریکای لاتین (که حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شوند) مداخله کنند.

کنترل بیشتر شرکت نفت، گرفتن حق امتیاز بیشتر از شرکت‌های بین‌المللی نفتی و حفظ بهای بالای نفت در بازارهای جهانی، منابع مالی زیادی را در اختیار دولت ملی ونزوئلا گذاشته که نه تنها می‌تواند برنامه‌های اجتماعی - رفاهی خود را با موفقیت پیاده سازد، بلکه می‌تواند به عنوان یک الگوی مناسب در کشورهای همجوار خود در خدمت مردم قرار گیرد. دولت ملی ونزوئلا با استفاده از این منابع مالی موفق شده است که طی هفت سال گذشته (۲۰۰۷-۲۰۰۰) کمک‌های شایانی به دولت‌های همجوار خود که می‌خواهند خود را از زیر یوق استعمار آمریکاها سازند، بنمایند. این در حالی است که برخی دیگر از صاحب‌نظران اقتصادی بر این اعتقادند که زیر نظر چتر حمایتی هوگو چاوز، سیاست‌های نفتی وی تا حدودی تغییر یافته و این کشور اکنون بیش از گذشته به سهمیه‌ی سقف تولید خود در اوپک پایبند است.

با این حال، آمریکا همیشه مدعی آن بوده است که ونزوئلا نیز مانند روسیه از منابع انرژی خود برای اعمال فشار به کشورهای همسایه استفاده می‌کند. سیاستمداران آمریکایی بر این باورند که برای اجتناب از تهدیدات ژئوپلیتیک از سوی رژیم‌هایی که از نفت برخوردارند، این کشور باید سریعاً سیاست جدیدی در خصوص تامین منابع

انرژی تدوین کند؛ چرا که این مسأله هر روز با افزایش میزان واردات نفت آمریکا، پیچیده‌تر می‌شود.

به هر حال، با توجه به تمام عقاید و نظرات ضد و نقیض در خصوص سیاست‌های نفتی چاوز و اعمال آن از سوی دولت جدید کاراکاس، می‌توان این نکته را به خوبی خاطرنشان ساخت که در حال حاضر، سیاست‌های نفتی چاوز اگرچه می‌تواند تا حدی حامی بی‌قید و شرط طبقه‌ی محروم جامعه باشد، اما به نوعی تداوم این سیاست‌ها نیز می‌تواند این کشور را برای همیشه از داشتن این منبع عظیم انرژی و استخراج و صدور آن محروم سازد. استفاده‌ی درست از میادین نفتی و دیگر منابع انرژی، همواره بهترین سیاست برای کشورهای غنی از نفت و گاز است.

آمریکا هوگو چاوز را محکوم می‌کند که تاثیرگذاری در قاره آمریکای لاتین را با پول می‌خرد

